

تأثیر تفاوت‌های کالبدی خانه سنتی و خانه شرکتی آبادان بر سبک زندگی ساکنان

(مطالعه موردی: خانه‌های سنتی و شرکتی آبادان در سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۵۷ شمسی)*

مهندس فاطمه معتقدی**، دکتر ویدا تقوایی***، دکتر مجید ابراهیم مظهري****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶

چکیده

فضای زندگی آدمی از خانه گرفته تا محله و شهر، باورها و شیوه زندگی وی را به نمایش می‌گذارد، این پژوهش با هدف مشخص نمودن نسبت میان مشخصه‌های سبک زندگی و شکل محل سکونت به بررسی تأثیرپذیری سبک زندگی مردم آبادان از شکل خانه‌های شرکتی می‌پردازد و در پی پاسخ به این سؤالات است که ساکنین این خانه‌ها چه تفاوت‌های کالبدی را در خانه شرکتی نسبت به خانه سنتی تجربه کردند و این تفاوت‌ها کدام مؤلفه‌های سبک زندگی آنان را تحت تأثیر قرار دادند؟ راهبرد این تحقیق کیفی است و در آن از روش‌های تفسیری و همبستگی به‌عنوان استراتژی کمک گرفته شده است. بر اساس نتایج تحقیق، خانه شرکتی بر عادات، روابط اجتماعی و معیشت ساکنان تأثیرگذارنده و با تحت تأثیر قرار دادن سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها نحوه مصرف، الگوهای رفتاری، ذائقه، نحوه گذران فراغت و نقش‌های اجتماعی آن‌ها را تغییر داده است.

واژه‌های کلیدی

سبک زندگی، معماری، خانه سنتی، خانه شرکتی، آبادان.

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی معماری نویسنده اول با عنوان «تأثیر معماری و شهرسازی وارداتی پس از صنعت نفت بر سبک زندگی مردم آبادان (در فاصله زمانی ۱۳۵۷-۱۳۹۰ ش / ۱۹۷۹-۱۹۱۱ م)» می‌باشد که به راهنمایی دکتر ویدا تقوایی و مشاوره دکتر محمد ابراهیم مظهري در دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در حال انجام است.

** دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

*** دانشیار، گروه معماری، دانشکده دختران شریعتی، دانشگاه فنی حرفه‌ای، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات) Email: Taghvaei@shariaty.ac.ir

**** استادیار، گروه معماری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

مقدمه

این پژوهش خانه‌های سنتی شهر خرمشهر که بسیار از نظر جغرافیایی و اقلیمی نزدیک به شهر آبادان است انتخاب شده است و تغییرات و تفاوت‌های مسکن سنتی در شهر خرمشهر با مسکن کارمندی آبادان با هدف تحلیل تأثیر این تغییرات بر سبک زندگی ساکنان مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که ساکنین خانه‌های شرکتی آبادان چه تفاوت‌های کالبدی را در مسکن جدید تجربه کرده‌اند؟ و این تفاوت‌ها کدام مؤلفه‌های سبک زندگی آنان را تحت تأثیر قرار داده‌اند؟ و به این منظور این فرضیه شکل گرفته است که سبک زندگی ساکنین خانه‌های شرکتی در آبادان تحت تأثیر کالبد معماری این خانه‌ها قرار گرفت و کالبد متفاوت خانه‌ها موجب تغییرات زیادی در شیوه زندگی مردم آبادان از نظر رفتار مصرفی، نحوه معیشت، شیوه ارتباطات اجتماعی، رفتار مذهبی و نحوه گذران اوقات فراغت شد.

پیشینه پژوهش

در جستجوهای انجام شده منابع زیادی که به ارتباط سبک زندگی و معماری پرداخته باشند، یافت نشد و از آن اندک نیز اغلب به تأثیر سبک زندگی بر شکل مسکن پرداخته‌اند، این در حالی است که پژوهش پیش رو به دنبال نشان دادن تأثیرات فضا و کالبد معماری بر سبک زندگی افراد است. یکی از این منابع رساله دکتری شیما شصتی است که به رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی پرداخته و عقیده دارد سبک زندگی بر زیستن در نوع خاصی از کالبد معمارانه تأثیر می‌گذارد (شصتی، ۱۳۹۳).

هیون جیونگ لی^۱ نیز به شیوه زندگی استفاده‌کنندگان آپارتمانهای استیجاری پرداخته و ترجیحات مسکن ساکنان را با توجه به سبک زندگی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد (Lee, 2005).

همچنین محمد بهشتی با مقایسه دو مقوله آسایش و آرامش در خانه‌های معاصر چنین بیان می‌دارد که ابداعات و اختراعات که به تأمین آسایش افراد کمک می‌کنند، منجر به تغییراتی در شکل سکنی‌گزیدن آنان شده و به همین علت تغییرات فراوانی در سبک زندگی آنان را موجب شده است (بهشتی، ۱۳۹۳). نعمت‌الله فاضلی در مقاله‌ای به تحلیل فرهنگی خانه روستایی پرداخته و خانه را یکی از مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی جهت فهم کلیت زندگی روستایی معرفی می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۷). علاوه بر موارد ذکر شده بخشی از منابع نیز به معماری و شهرسازی آبادان و تحولات اجتماعی این شهر پرداخته‌اند، مارک کرینسون^۲ شهرآبادان را مخلوق صنعت نفت نامیده و آن را دارای ویژگی‌های یک شهر استعماری دانسته و در همین رابطه طرح خانه‌ها و شهر را بخشی از محیط مصنوع اقتصاد سیاسی

زندگی روزمره انسان به‌روشنی به فضا و روش استفاده از آن وابسته است، این وابستگی تنها جنبه مادی و فیزیکی ندارد، بلکه از آنجایی که فضاها برای افراد باریشه‌های فرهنگی متفاوت معانی و تعبیر متفاوتی دارند می‌توان انتظار داشت که ارتباط سبک زندگی و زندگی روزمره با فضا دارای بعد معنایی و ذهنی نیز باشد. نگاهی به رفتارهای متفاوت در فضاهای یکسان از سوی افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف، گواه این مدعاست.

شیوه زندگی یک قوم همواره در رابطه تنگاتنگ با فضایی است که در آن زندگی می‌کنند. چراکه کالبد خانه و سبک زندگی که در آن جریان دارد، به‌واسطه کنش‌ها، رفتارها و رویدادها، در تعامل با یکدیگر هستند. به این ترتیب تغییر در هر یک بر روی دیگری تأثیر خواهد گذاشت، آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است، میزان و نحوه تأثیر کالبد فضای سکونت بر شیوه زندگی افراد است.

از این رو هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیرپذیری «سبک زندگی» مردم آبادان از فضاهای ساخته شده، خصوصاً خانه‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، است. به این منظور در کنار ارائه تعریفی از مفهوم سبک زندگی، بررسی کالبدی خانه‌های آبادان که توسط «شرکت نفت ایران و انگلیس» طراحی، ساخته و در اختیار ساکنین قرار گرفته، ضروری است، همچنین بررسی خانه‌هایی که این افراد پیش از این در آن می‌زیسته‌اند، به منظور مقایسه سبک زندگی قبل و بعد از اسکان در آبادان لازم به نظر می‌رسد.

به این منظور در کنار بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی، به بررسی عناصر شکل‌دهنده کالبد خانه و رویدادهای رخ داده در آن‌ها برای تبیین رابطه بین سبک زندگی و کالبد معماری پرداخته شده است و همچنین رابطه بین تغییرات کالبدی و تحولات سبک زندگی مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به وجود طبقات متفاوت و کاملاً متمایز در شهر آبادان، خانه‌هایی در سطوح مختلف کارگری، کارمندی و متخصصین قابل تشخیص است. این پژوهش برای انجام مقایسه و به منظور بررسی بهتر و دقیق‌تر مطالعه را به خانه‌های کارمندی آبادان محدود نموده است. همچنین برای انجام این مقایسه نیاز است که خانه‌های سنتی این شهر مورد مطالعه قرار گیرند، اما از آنجایی که آبادان اولین شهر مدرن مهاجرنشین و صنعتی ایران است (قاسمی، ۱۳۹۵، ۳۷) که پس از احداث پالایشگاه به وجود آمده و پیش از آن جز معدودی کپر و نخلستان در این منطقه خانه‌ای وجود نداشته است (کسروی، ۱۳۸۴، ۲۵۱؛ لهسایی زاده، ۱۳۸۵، ۱۶۳). پس خانه سنتی آبادانی برای مقایسه با خانه‌های جدید شرکتی وجود ندارد و به این منظور در

روش پژوهش

راهبرد این پژوهش راهبرد کیفی است و محقق به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات از روش‌های مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای بهره برده است. همچنین این پژوهش از بعد هدف یک پژوهش بنیادی _ کاربردی است و درصدد یافتن ویژگی‌هایی از معماری و شهرسازی، شهر آبادان است که بر سبک زندگی ساکنان آن تأثیرگذارنده به این منظور پژوهش مطابق با شکل ۱ در سه مرحله انجام شده است، در مرحله نخست الگوها و ویژگی‌های معماری و شهرسازی برای تبیین رابطه میان فضای ساخته شده و سبک زندگی ساکنان تعریف شده است و به این منظور مطالعات نظری در رابطه با مفاهیم به‌صورت مروری و به کمک منابع و اسناد کتابخانه‌ای انجام شده و با راهبرد همبستگی و تفسیری، مدل نظری ارتباط سبک زندگی با معماری خانه‌های شرکتی آبادان تبیین شده است. در مرحله دوم، با توجه به اینکه تأثیرات متغیرهای محیطی شامل فضاهای ساخته شده و ویژگی‌های کالبدی آن‌ها بر متغیرهای مؤلفه‌های سبک زندگی افراد مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته است، مناسب‌ترین راه، بررسی نقشه‌ها و اسناد مربوطه است تا بتوان به درک صحیحی از سبک زندگی رایج در زمان مورد مطالعه دست یافت. در این مرحله همچنین نتایج مشاهدات و مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به کمک راهبرد همبستگی-تفسیری به کشف روابط میان متغیرهای پژوهش در زمان و مکان مورد مطالعه منجر شده است به این منظور در بخشی از پژوهش، سبک زندگی

استعماری می‌داند (کریسون، ۱۳۸۵). این مقاله با اینکه توجه ویژه‌ای به قالب‌های مسکونی و شهرسازی آبادان نشان داده، اما به مسائل فرهنگی و اجتماعی که شهر و معماری آن ایجاد نموده توجهی ندارد. پولین لاواین دورتینگ^۳ به تجزیه و تحلیل پیدایش، توسعه و دگرگونی شهرک‌های نفتی می‌پردازد و منطق حاکم بر ساخت این شهرک‌ها به‌ویژه آبادان را زائیده منطق جداسازی در برابر یکپارچه‌سازی معرفی می‌کند و این شهرک‌ها را الگویی برای تجدد و نوگرایی نامیده و عقیده دارد که این شهرک‌ها یک فرهنگ و ایدئولوژی در قالب معماری هستند (لاواین دورتینگ، ۱۳۸۲). کاوه احسانی به بررسی تطبیقی از طراحی آبادان و مسجد سلیمان تحت عنوان اولین و مهم‌ترین شهرهای نفتی خوزستان می‌پردازد و عقیده دارد که الگوی خاصی از مهندسی اجتماعی و نوسازی ارادی، توسط ساخت این شهرها وارد زندگی اجتماعی ایران شده و شرکت نه‌فقط به نیروی کار خود اسکان می‌دهد بلکه با برنامه‌ریزی علمی در تمام جنبه‌های «زندگی روزمره» این نیروهای کار آن‌ها را تبدیل به سرمایه انسانی کردان و درعین حال مطیع، راضی و مدرن می‌سازد (احسانی، ۱۳۷۸). رستم پور و همکاران نیز در رابطه با تأثیر سکونت در شهرک‌های نفتی بر هویت اجتماعی ساکنین، عقیده دارند در این شهرک‌ها تمدن که باید برآمده از فرهنگ جامعه و متناسب با هنجارها و شیوه زندگی مردم باشد در حرکتی معکوس باعث تغییر در شکل زندگی مردم شده است (رستم پور و همکاران، ۱۳۹۳).



شکل ۱. ساختار پژوهش

سبک زندگی که دربرگیرنده همه فعالیت‌های فردی و اجتماعی افراد است، علاوه بر مواردی چون نوع و میزان ارتباطات اجتماعی، روابط خویشاوندی و فعالیت‌های فرهنگی، نحوه استفاده از فضا را نیز شامل می‌شود.

سبک زندگی و مسکن

راپاپورت معتقد است معماری بومی هر جامعه از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین بناها با شیوه زندگی و سنت‌های آن اجتماع پیوند خورده و از این میان فضاهای مسکونی با وضوح بیشتری پیوند و ارتباط موجود میان شکل مصنوع و شیوه زندگی را نشان می‌دهند (راپاپورت، ۱۳۹۲، ۲۲). ویلیام یانسی طی مطالعاتی که بر مجموعه مسکونی «پریت ایگو» داشت چنین نتیجه گرفت که ساخت این مجموعه بر روی رفتارهای اجتماعی و سبک زندگی شبکه‌های اجتماعی غیررسمی که اغلب در محله‌های طبقات پایین و کارگری یافت می‌شود تأثیرات بسیار زیادی داشته است (Yancey, 1971).

فریدمن نیز با توجه به مطالعاتی مشابه عقیده دارد، درحالی که روشن است که عوامل اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه در سطح و ثبات درآمد، عوامل تعیین‌کننده اصلی سبک زندگی اجتماعی و اقتصادی است، همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، طراحی معماری خانه‌هایی که خانواده‌ها در آن زندگی می‌کنند تأثیراتی بر سبک زندگی آن‌ها دارد (Freedman, 1975). از نظر مری داگلاس کالاها علاوه بر کاربرد اصلی‌شان جنبه نمادینی نیز دارند که آن‌ها را قادر می‌سازد تا به‌عنوان ابزار مبادله و ارتباط به کار گرفته شوند. مصرف کالاها می‌تواند در جهت حفظ ارتباط و انسجام، جذب حمایت دیگران و حتی ابراز مهربانی کار آیی داشته باشد؛ و این امر درباره فقیر و غنی صدق می‌کند. از نظر وی مسکن یکی از این کالاها است (فاضلی، ۱۳۸۲، ۳۳). این شیوه تفکر در باب کالاها که به مصرف آن‌ها صرفاً از دریچه کاربردی نگاه نکرده و اهمیت نمادین و فرهنگی برای آنان قائل است، خصوصاً این که مسکن نیز جزوی از آن‌ها است، می‌تواند مؤید تغییر ترجیحات و درنهایت شیوه زندگی مردم در نتیجه استفاده از آن‌ها باشد. از این‌رو مسکن به‌عنوان یکی از این کالاها تنها سرپناه نبوده و می‌تواند بیانگر جایگاه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شخص بوده و به یکی از پارامترهای ارزیابی افراد درباره دیگران و یا برقراری ارتباط و انتقال معنی تبدیل شود، چنان که اطلاعات فراوانی در رابطه با سبک زندگی فرد در اختیار دیگر افراد قرار می‌دهد. چاپین مبدع روشی موسوم به «مقیاس اتاق نشیمن» است که یکی از قدیمی‌ترین تکنیک‌های مطالعه «طبقه» است. این مقیاس بر اساس این فرض که سبک زندگی و اشیای تحت تملک مردم، در طبقه‌های مختلف، تفاوت

و فرم کالبدی مسکن خانواده‌ها پیش از مهاجرت به آبادان با سبک زندگی و فرم کالبدی خانه‌های کارمندی آبادان موردبررسی و مقایسه قرار گرفته است. در مرحله سوم ابتدا ارتباط مؤلفه‌های سبک زندگی با فضای ساخته‌شده کالبد مسکن موردبررسی قرار گرفته و سپس با روش همبستگی-تفسیری، تأثیر متغیره‌ای معماری و کالبدی بر سبک زندگی سنجیده و با یکدیگر مقایسه شده است، در نتیجه رابطه معنادار تفاوت‌هایی که در شاخصه‌های معماری و کالبدی فضاهای موردبحث وجود دارند بر میزان تغییرات سبک زندگی تبیین شده است.

مبانی نظری

ادبیات موضوع

سبک زندگی مفهوم جدیدی است که مولود سده اخیر، بلکه کمتر از آن است. استفاده از این مفهوم راهی است برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه‌روز افزایش می‌یابد. این مفهوم که در دهه‌های اخیر از سوی نظریه‌پردازان در حوزه‌های مختلف موردتوجه قرار گرفته، در گستره وسیعی از علوم از جامعه‌شناسی و روان‌شناسی گرفته تا بازاریاژوهی، شهرسازی و پزشکی به کار گرفته شده است. به باور وبر^۴ سبک زندگی روش‌هایی از زندگی است که گروه‌های هم‌رتبه برمی‌گزینند که الگوهای رفتار و باورها را شامل می‌شود و سبک زندگی هر قشر اجتماعی معرف آن قشر است (الفت، ۱۳۹۱). به عقیده آدلر^۵ اما سبک زندگی راه یکتا و فردی زندگی به‌منظور دستیابی به هدف است و سبک زندگی تنها رفتار و منش فرد نیست بلکه همه رفتارها و تجربیات انسان را هدایت می‌کند (خادمیان، ۱۳۸۷، ۱۶). کلاکهورن^۶ سبک زندگی را مجموعه‌ای از الگوهای خودآگاه از ترجیحات فردی می‌داند که در رفتار شخص بروز پیدا می‌کند. در صورتی که مک کی^۷ آن را الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه می‌داند که به‌صورت رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود (مه‌دوی کنی، ۱۳۸۶). بوردیو سبک زندگی را فعالیت‌هایی نظام‌مند می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد نشایت می‌گیرد و بخشی از هویت فرد را شکل می‌دهد. از نظر بوردیو هر گروه با به مالکیت درآوردن دارایی‌ها یا رفتارهای مخصوص به خود سعی در نشان دادن تمایز خود نسبت به دیگر گروه‌ها و تعلق به یک گروه خاص را دارد، این دارایی‌ها که شامل سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌شوند قابل تبدیل به یکدیگر بوده و حجم و ترکیب انواع سرمایه‌ها نزد فرد، جایگاه وی را در سلسله‌مراتب اجتماع تعیین می‌کند (بوردیو، ۱۳۹۳). با توجه به این تعاریف می‌توان چنین برداشت نمود که زندگی روزمره و رفتارها در زمینه اجتماعی معانی خاصی دارند که از جامعه‌ای به جامعه دیگر یا از گروهی به گروه دیگر متفاوت است.

جدول ۱. نظریات در رابطه با سبک زندگی و مسکن

محقق	مؤلفه‌های مورد ارزیابی سبک زندگی	رویکرد در رابطه با مسکن و سبک زندگی
راپاپورت	فرهنگ، سنت و ایدئولوژی	شکل خانه متأثر از سبک زندگی (راپاپورت، ۱۳۹۲، ۲۲)
یانسی	رفتار اجتماعی	تأثیر بافت محله و محل سکونت بر رفتار اجتماعی ساکنان (Yancey, 1971)
فریدمن	عوامل اجتماعی، اقتصادی، سطح و ثبات درآمد	تأثیر طراحی معماری خانه بر سبک زندگی (Freedman, 1974)
داگلاس	جنبه نمادین کالاها	اهمیت نمادین مسکن به‌عنوان یک کالا بیانگر جایگاه فرهنگی و اجتماعی فرد (فاضلی، ۱۳۸۲، ۳۳)
چاپین	اشیا تحت تملک افراد	اشیا و لوازم منعکس کننده دستاوردهای فرهنگی، دارایی و منزلت (چاوشیان و ابادری، ۱۳۸۱)
همیلتون	سیاست‌های مصرفی	سبک زندگی از سیاست‌های مصرفی کالاها از جمله مسکن تبعیت می‌کند (الری همیلتون، ۱۳۹۳)
هجراب	نحوه اشتغال و تأمین معاش	تفاوت‌های کالبدی و تغییر الویت های فضایی خانه با توجه به سبک زندگی (Hojrup, 2003)

دارد، ساخته شده است. از نظر چاپین لوازمی که در اتاق نشیمن یافت می‌شود منعکس کننده دستاوردهای فرهنگی، دارایی‌های مادی، منزلت اقتصادی و اجتماعی خانواده است (چاوشیان و ابادری، ۱۳۸۱). الری همیلتون^۸ با اشاره به شعار تبلیغاتی «ما فقط یک‌خانه نمی‌فروشیم، ما یک سبک زندگی می‌فروشیم» چنین نتیجه می‌گیرد که سبک زندگی تنها ناشی از تصمیم‌گیری فردی نیست و تا حدود زیادی نیز تحت تأثیر سیاست و برنامه‌های فروش محصولات چون پوشاک، مسکن و غذا است که مؤلفه‌های سبک زندگی، چون الگوهای رفتاری و گذران اوقات فراغت را نشان می‌دهد (الری همیلتون، ۱۳۹۳). توماس هجراب^۹ در بررسی رابطه کار و محل سکونت، به معرفی دو شیوه کسب درآمد شامل خود اشتغالی و حقوق‌گیری و تأثیری که بر الویت های فضایی و نیازهای اساسی خانه می‌گذارد پرداخته است و تفاوت فضاهای خانه در این دو شیوه معاش را مقایسه نموده و نتیجه گرفته است که محل کار و نوع تأمین معاش بر ویژگی‌های کالبدی خانه تأثیر می‌گذارد (Hojrup, 2003). (جدول ۱)

مسکن و مؤلفه‌های سبک زندگی

یافته‌های مطالعات انجام شده چنان که به‌اختصار در جدول ۱ نشان داده شده است، برخی مؤلفه‌های سبک زندگی را در ارتباط با مسکن از دید محققین نشان می‌دهد که نوع اشتغال و میزان درآمد، تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های فردی، سطح تحصیلات، فرهنگ، سنت و ایدئولوژی را شامل می‌شود. چنان که مشاهده می‌شود مؤلفه‌های سبک زندگی دامنه گسترده‌ای دارند، لیکن این مؤلفه‌ها در ارتباط با کالبد مسکن را می‌توان چنان که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در چند گروه کلی دسته‌بندی کرد. از جمله بعد اقتصادی و معیشتی که در ارتباط با شغل و فعالیت‌های درآمدزایی چون تولید صنایع دستی، فرآوری محصولات و همچنین تولید اقلام مصرفی خانوار را شامل می‌شود. مؤلفه حائز اهمیت دیگر فعالیت‌های اجتماعی است که شامل تعامل با دیگران از جمله همسایگان و دیگر شهروندان، برگزاری یا شرکت در مهمانی، مشارکت در مراسم و برنامه‌های جمعی می‌شود. فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و سنتی گرچه تا حدود زیادی با فعالیت‌های اجتماعی

جدول ۲. مؤلفه‌های سبک زندگی در ارتباط با مسکن و فعالیت‌ها

مؤلفه‌های سبک زندگی	فعالیت‌های مرتبط
بعد معیشتی و اقتصادی	شغل، فعالیت‌های درآمدزا، تولید محصولات مصرفی خانوار، فرآوری محصولات و...
تعاملات اجتماعی	برپایی مهمانی، رفت‌وآمد با همسایگان، مشارکت سربرنامه‌های جمعی و مراسم سنتی یا مذهبی و ...
بعد ارزشی و فرهنگی	ارزش‌ها، باورها، هنجارها، ایدئولوژی، سلیقه، ذائقه و...
فعالیت‌های فردی	خوردن، خوابیدن، بهداشت و مقدمات و تدارکات مربوطه

خانه کارمندی آبادان

این خانه‌ها اغلب دارای دو حیاط در جلو و پشت خانه هستند که با حصار سبز محصور شده و از یک طرف به خیابان اصلی و از طرف دیگر به کوچه راه دارد. هر خانه از یک سالن نشیمن، اتاق نهارخوری و تعدادی اتاق خواب که در اطراف هال مرکزی یا راهرو قرار گرفته‌اند تشکیل شده است. فضاهای خدماتی نظیر آشپزخانه و سرویس‌های بهداشتی نیز در ارتباط با همین فضای مرکزی قرار دارند، برخی از خانه‌ها نیز اتاقی برای مستخدم دارند که در حیاط پشتی واقع شده است. (شکل ۳)

تفاوت‌های کالبدی خانه شرکتی و خانه سنتی

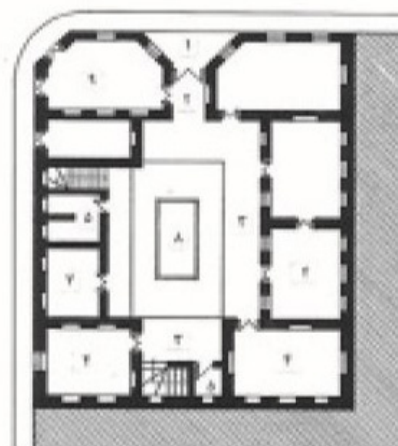
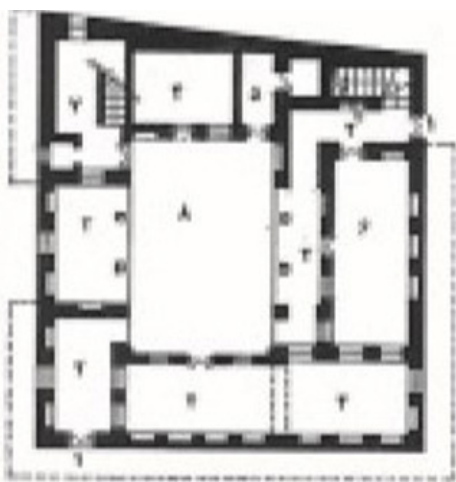
یکی از تفاوت‌های عمده خانه سنتی با خانه شرکتی را شاید بتوان در نام‌گذاری فضاها دانست. در خانه سنتی اتاق‌ها نه بر اساس کارکرد که بر اساس موقعیت مکانی (مانند بالاخانه و اتاق روبه‌قبله) و یا ویژگی‌های فیزیکی (مانند سهدری و پنج‌دري) نام‌گذاری می‌شدند، چراکه این فضاها از نظر عملکردی بسیار منعطف‌اند و در ساعات مختلف شبانه‌روز عملکردهای متنوعی را می‌پذیرند؛ اما در خانه‌های کارمندی آبادان شاهد فضاهایی تفکیک‌شده برای عملکردهای مختلف هستیم، از جمله اتاق خواب، اتاق پذیرایی، نشیمن و نهارخوری. نام‌گذاری فضاها خود گویای عملکردهای انحصاری آن‌هاست. برخلاف مبلمان منعطف خانه سنتی که اجازه می‌داد یک فضا در ساعاتی از روز با گسترده سفره به فضای غذاخوری تبدیل شود و در شب با گسترده رختخواب به فضای خواب تبدیل شود (بهشتی، ۱۳۹۳)، در خانه شرکتی آبادان فضاها

همپوشانی دارند، اما گاه در قالب فعالیت‌های فردی ظاهر می‌شوند، انجام مناسک مذهبی و سنتی را می‌توان از مصادیق آن دانست، از جمله دیگر فعالیت‌های فردی می‌توان به مجموعه فعالیت‌های زیستی چون خوردن، خوابیدن، اعمال بهداشتی و همچنین مراحل تدارک و مقدمات این فعالیت‌ها اشاره کرد. همچنین بعد ارزشی و فرهنگی سبک زندگی که جنبه‌های ذهنی و معنایی سبک زندگی از قبیل ارزش‌ها، باورها، هنجارها، سلیقه و ذائقه را شامل می‌شود. در ادامه تغییرات و تفاوت‌های کالبدی خانه سنتی در خرمشهر با مسکن کارمندی آبادان با هدف تحلیل تأثیر این تغییرات بر سبک زندگی ساکنان مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی نمونه‌های مورد مطالعه

خانه سنتی خرمشهر

اغلب خانه‌های بافت قدیم خرمشهر از نوع خانه‌های تک خانواری یا مستقل بوده‌اند، این نوع خانه‌ها که مناسب زندگی خانواده هسته‌ای است دارای پلان و ابعاد مشابه بوده و از یک حیاط مرکزی تشکیل شده که در اطراف آن فضاهای زندگی شامل مضاف، اتاق‌های چند عملکردی و ایوان‌های عمیق طولی در امتداد چهار ضلع حیاط واقع شده و به همین علت دارای نور کافی و دید مناسب هستند. (شکل ۲) طبق این الگو حوزه‌های زندگی در محورهای اصلی حیاط و حوزه‌های خدماتی و ورودی خانه در محورهای گوشه حیاط قرار گرفته‌اند که باعث می‌شود این الگو تا حدود زیادی تأمین‌کننده حریمیت فضاهای زندگی نیز باشد (مسائلی، ۱۳۹۰).



شکل ۲. دو نمونه خانه سنتی تک خانواری خرمشهر، (مآخذ: مسائلی، ۱۳۹۰)



شکل ۳. دو نمونه خانه کارمندی آبادان، (مأخذ: آرشیو شرکت نفت)

گرما که استفاده از تجهیزات مکانیکی برای خنک کردن تمام فضاهای خانه ضروری به نظر مارسید.

بهره‌گیری از تجهیزات مکانیکی در اصل جایگزین روش قدیمی جابه‌جایی در جبهه‌های خانه در فصول مختلف شد. این جابه‌جایی فصلی تا حدود زیادی در مصرف سوخت و یا بهره‌گیری از وسایل مکانیکی برای ایجاد حرارت و برودت صرفه‌جویی می‌کرد. مضاف بر این‌که این عادت جابه‌جایی در شروع فصل خود بخشی از آداب‌ورسوم زندگی سنتی بود که با اسکان در خانه‌های آبادان به دست فراموشی سپرده شد. وجود فضاهای جدید در خانه‌آبادان را می‌توان از دیگر عوامل تأثیرگذار بر تغییرات شیوه زندگی دانست، وجود فضاهای جدیدی که می‌تواند به انجام فعالیت‌های جدید منجر گردد که چون با الگوی رفتاری ساکنان سازگاری ندارد به‌ناچار الگوی رفتاری افراد در جهت سازگاری با فضاهای جدید تغییر خواهد کرد.

عادات بهداشتی از دیگر مواردی از سبک زندگی افراد است که تحت تأثیر فضای کالبدی خانه‌های جدید تغییر کرده است، بخش مهمی از این تغییر عادات به وجود حمام داخل خانه‌های شرکتی مربوط می‌گردد. از دیگر فضاهای خانه سنتی که دچار تغییر شد و بر سبک زندگی ساکنان اثر گذارد، می‌توان از آشپزخانه نام برد، در مورد تفاوت‌های آشپزخانه در خانه سنتی و خانه جدید، اولین و شاید مهم‌ترین تفاوت، تغییر محل قرارگیری آن است که از کنج حیاط یا

علاوه بر نام، از مبلمان مختص خود نیز برخوردارند. وجود اتاقی به نام اتاق خواب با مبلمان مخصوص آن اجازه می‌دهد که در هر ساعت از شبانه‌روز به‌عنوان فضایی برای خواب و استراحت مورد استفاده قرار گیرد، از این‌رو برخلاف خانه سنتی که فعالیت‌ها از یک توالی زمانی و مکانی برخوردار هستند (افشاری، ۱۳۹۴)، این توالی در خانه شرکتی لزوم و معنایی ندارد. این در حالی است که توالی فضایی و زمانی فعالیت‌ها عموماً پیرو عادات است و با تغییر آن عادات و به‌تبع آن شیوه زندگی روزمره تغییر می‌یابد.

از طرفی اتاق‌های خانه جدید همه به‌نوعی به فضایی چون نشیمن مرتبط می‌گردند، این در حالی است که در خانه سنتی رفتن از یک فضا به فضای دیگر از طریق راهروها و یا عبور از حیاط ممکن است، از این‌رو استقلال و همچنین محرمیت هر یک از این فضاها بیشتر بوده است، گرچه پوشیدن و درآوردن کفش و یا در فصول مختلف پوشیدن لباس مناسب می‌تواند زحماتی را به همراه داشته باشد، اما جدا و مستقل بودن تک فضاها در گرم یا سرد نگه‌داشتن آن‌ها نیز مؤثر بوده، چنان‌که در خانه سنتی هر اتاق می‌تواند به‌طور مستقل از دیگر اتاق‌ها از نظر حرارت و برودت تحت کنترل قرار گیرد، اما در خانه جدید از آنجایی که فضاها همه با یکدیگر مرتبط‌اند، این امر ممکن نیست و ناگفته پیداست، اثراتی که بر میزان مصرف انرژی می‌گذارد فراوان است، خصوصاً با توجه به آب‌وهوای آبادان و طولانی بودن فصل

فضا، باید به نسبت زمانی که در خانه‌های سنتی زندگی می‌کردند بیشتر به پوشش و یا حجاب خود دقت می‌کردند و حیاط خانه‌ها دیگر فضای کاملاً خصوصی خانواده محسوب نمی‌شد، گرچه در مقایسه با خانه‌های اشتراکی که چند خانواده در آن زندگی می‌کردند، همچنان حیاط خانه کارمندی آبادان خصوصی‌تر محسوب می‌شد.

تأثیر متغیرهای معماری بر سبک زندگی

پژوهش پیش رو درصدد یافتن ویژگی‌هایی از معماری خانه‌های آبادان است که بر سبک زندگی ساکنان آن تأثیرگذارنده است، از این رو نخست الگوها و ویژگی‌های معماری برای تبیین رابطه میان فضای ساخته‌شده و سبک زندگی ساکنان تعریف شده است و به این منظور سبک زندگی و فرم کالبدی شیوه‌های سکونت خانواده‌ها پیش از مهاجرت به آبادان (به‌عنوان نمونه خانه‌های سنتی خرمشهر) با سبک زندگی و فرم کالبدی خانه‌های آبادان موردبررسی و مقایسه قرار گرفته است و در ادامه، ابتدا هر یک از شیوه‌های سکونت از نظر ارتباط مؤلفه‌های سبک زندگی با فضای ساخته‌شده کالبد مسکن موردبررسی قرار گرفته و سپس با روش رابطه‌ای، تأثیر متغیرهای معماری و کالبدی بر سبک زندگی سنجیده و با یکدیگر مقایسه شده است، در نتیجه رابطه معنادار تفاوت‌هایی که در شاخص‌های معماری کالبدی فضاهای موردبحث وجود دارند بر میزان تغییرات سبک زندگی تبیین شده است. سپس با کنار هم قرار دادن این دو بخش به تحلیل تأثیراتی که تغییرات مسکن شرکتی آبادان بر سبک زندگی مردم این شهر گذارده، پرداخته شده است. (شکل ۴)

در ادامه آنچه از مقایسه تفاوت‌های کالبدی خانه سنتی با خانه شرکتی حاصل شده است به همراه تغییراتی که در سبک زندگی ساکنان به دنبال داشته و مؤلفه‌هایی از سبک زندگی که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند آورده شده است.

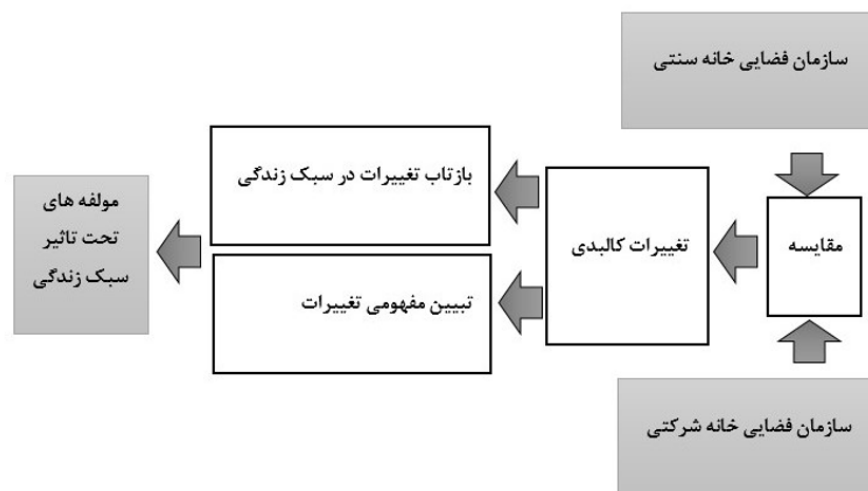
تغییرات کالبدی خانه‌ها و تأثیر آن بر مؤلفه‌های سبک زندگی

خانه‌های هم‌شکل، عدم تمایز اجتماعی را به دنبال داشت. خانه‌های ساخته‌شده توسط «شرکت نفت ایران و انگلیس» برای کارکنان از شکل یکسانی برخوردار بودند که این امر حس شخصی‌سازی ساکنان را محدود کرده بود، چراکه این خانه‌های مشابه، فاقد مشخصه‌هایی بود که به‌واسطه آن بتوان فضای شخصی خود را با ویژگی‌های منحصر به فرد به نمایش گذارد. از آنجایی که ساکنان امکان و اجازه ایجاد تغییرات در خانه‌ها را ندارند، فرصتی برای شخصی‌سازی فضای فیزیکی فراهم نمی‌شود تا ساکنان به‌وسیله آن ویژگی‌ها بتوانند خود را بشناسانند. این خانه‌ها گرچه از امکانات و شکل ظاهری مناسبی برخوردارند اما

زیرزمین به فضای داخلی خانه منتقل شد. وجود آشپزخانه در داخل خانه و در مجاورت فضاهایی چون نهارخوری و نشیمن، گذشته از سهولت در امر پذیرایی و استفاده از آن، باعث شد که خانم خانه بتواند ساعات بیشتری را داخل خانه و در کنار خانواده بگذراند. این تفاوت در خانه‌های میله آبادان که آشپزخانه نسبت مجهزی داشتند بیشتر بود، چراکه وجود تجهیزات موجب تسهیل خانه‌داری و در نتیجه وقت اضافی برای خانم خانه می‌شد، می‌توان چنین گفت که بخشی از پیدایش بحث اوقات فراغت که یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی است به‌واسطه تسهیل کارها و به وجود آمدن این وقت اضافه معنی پیدا کرد. از طرفی حتی اگر آشپزخانه دارای این تجهیزات نبود، جا و محل قرارگیری هر یک از آن‌ها در میان فضای آشپزخانه در نظر گرفته شده بود و به‌نوعی لزوم تهیه آن‌ها را به ساکنان خانه یادآور می‌شد. همه این‌ها علاوه بر تبلیغات مصرف‌گرایانه باعث شده بود که در مدتی کوتاه آشپزخانه‌های نسبت مجهز با دسترسی راحت در فضای داخلی خانه، جایگزین مطبخ‌های کوچک با امکانات محدود در داخل زیرزمین یا گوشه حیاط شوند (Karimi, 2013, 10).

نقش حیاط در خانه سنتی و خانه کارمندی آبادان اما به کل با یکدیگر متفاوت است، همان‌گونه که فرم کالبدی این فضاها بسیار باهم فرق می‌کنند. در خانه کارمندی آبادان حیاط خانه را در بر گرفته و به جای دیوار، با پرچین‌های سبزه کوتاه محصور شده، به‌گونه‌ای که ارتباط بصری در داخل حیاط هر خانه با حیاط خانه‌های مجاور و کوچه برقرار است، در خانه‌های سنتی خرمشهر بنا حیاط را در میان گرفته و حیاط از چهار جهت توسط بنا (معمولاً جبهه شمالی و جنوبی) و دیوارهای بلند محصور شده است (مسائلی، ۱۳۹۰). حیاط در این خانه‌ها بخشی کاملاً خصوصی است که توسط دیوارها و بنا از کوچه و حیاط همسایگان جدا شده و کاملاً محصور است.

حیاط محصور خانه سنتی محل انجام بسیاری از فعالیت‌های ساکنین است، خصوصاً در فصول گرم سال حیاط به‌واسطه داشتن دیوارها و قرار گرفتن بنا در جبهه‌های آن در ساعات مختلف روز دارای سایه بوده و ساکنین می‌توانستند در پناه آن به انجام فعالیت بپردازند یا استراحت کنند. علاوه بر این محصوریت حیاط و در نتیجه حریمیت آن موجب می‌شد که بسیاری از فعالیت‌های داخل خانه در زمانی که هوا مناسب باشد به حیاط منتقل شود، از جمله خوابیدن در حیاط و بهارخواب؛ اما از آنجایی که حیاط خانه‌های کارمندی آبادان تنها با پوشش گیاهی محصور شده بود و به علت وجود دید از حیاط‌های مجاور و از کوچه، افراد کمتر می‌توانستند از این فضا برای عملکردهایی نظیر خوابیدن بهره ببرند، علاوه بر این فعالیت‌هایی که در حیاط انجام می‌شد در معرض دید دیگران بود، از این جهت استفاده‌کنندگان از این



شکل ۴. بازتاب تغییرات کالبدی خانه در سبک زندگی ساکنان

می‌کنند. در خانه کارمندی آبادان اما همان‌طور که حیاط خانه به دلیل محصوریت کم، چندان ویژگی فضای محرم درونی را دارا نیست، ورودی نیز به تنها یک درب خلاصه می‌شود، اگرچه در خانه‌های ساخته‌شده برای کارگران نیز علیرغم داشتن دیوارهای بلندی که حیاط را محصور می‌کنند، از فضای ورودی و راهروهای آن خبری نیست. این امر تغییر مرزهای فضای خصوصی و عمومی و تدریجی که در تبدیل این فضاها به هم بوده را از بین برده است و باعث کاهش محرمیت شده است، از این رو شکل جدید ورودی‌ها ضمن تأثیر بر روابط اجتماعی با کاهش محرمیت، بر باورهای مذهبی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی نیز اثر گذاشته است.

انتظام فضاها گرداگرد هال مرکزی، اهمیت نمادین خانواده را به دنبال داشت، در خانه سنتی حیاط میانی انتظام بخش فضاها را پیرامون خود است، اما در خانه کارمندی شرکتی هال مرکزی و گاه تنها یک راهرو این نقش را بر عهده دارد، در این حالت گرچه استقلال اتاق‌ها نسبت به خانه سنتی کمتر شده است، اما وجود فضای هال مرکزی که اغلب به‌عنوان نشیمن خانواده استفاده می‌شود، حضور خانواده بدون سلسله‌مراتب در یک فضا، تغییر نظام مردسالارانه و اهمیت نمادین خانواده را به دنبال داشته است.

محصوریت متفاوت حیاط خانه سنتی با حیاط خانه کارمندی موجب شده است که بسیاری از فعالیت‌ها از جمله نگهداری دام و طیور و همچنین برپایی کارگاه‌های صناعی چون قالی‌بافی امکان‌پذیر نباشد که این امر عزیمت فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا از خانه

هیچ زمینه و امکانی را برای بروز سلیقه و ذائقه خود در اختیار ساکنان قرار نمی‌دهند، از این رو ساکنان این خانه‌ها نمی‌توانند حس تمایز اجتماعی خود را بروز دهند (Hendricks & Mac Nair, 1970). این درحالی‌که است که در خانه‌های سنتی و بومی شخصی‌سازی یکی از اصول اولیه و غیرقابل‌انکار است و از آنجایی که مالک خانه در پروسه ساخت خانه و یا تغییرات و تعمیرات بعدی دخالت دارد اغلب این ویژگی‌های شخصی و سلیقه و ذائقه ساکنان در کلیت و در جزئیات مسکن مشهود است (پوردیپیمی و نورتقانی، ۱۳۹۲)

تقلیل فضای ورودی به یک درب، بر روابط اجتماعی تأثیر گذاشت. قلمرو در خانه سنتی از بیرون خانه شروع می‌شود که مصادیق فضایی آن دربند و سردر و در درون خانه هشتی و دالان است و به این ترتیب مرز قلمرو درون و بیرون خانه تنها یک دیوار جداکننده نیست بلکه سلسله‌ای از فضاها بینابینی و طیف متنوعی از قلمرو خصوصی تا عمومی را فراهم می‌آورد (تقوایی، ۱۳۹۴، ۱۸۲).

در خانه شرکتی این فضاها بینابینی که قلمرو شهر را به تدریج به خانه وصل می‌کنند وجود ندارند و به حد یک دیوار یا دیواره سبز جداکننده و یک در تقلیل یافته‌اند، همچنین مفهوم همسایگی نیز ما به ازای فضایی ندارد، از این رو فضاها واسطه بین قلمرو عمومی و خصوصی حذف شده و این امر نه تنها موجب کاهش میزان محرمیت شده است که حس تعلق به خانه و همسایگی را نیز کم نموده است. ورودی در خانه سنتی مجموعه‌ای از فضاهاست که واسطه بین فضای عمومی بیرون و خصوصی درون بوده و محرمیت درون را تأمین

دوره‌م نشستن و خوابیدن استفاده می‌شود لازم است که این فعالیت‌ها از توالی زمانی مناسبی برخوردار باشند، اما در خانه‌های کارمندی که هر فعالیتی حوزه و فضای مشخص خود را دارد، رعایت این توالی زمانی لازم و حتمی نیست.

جایگزینی آشپزخانه مجهز به جای مطبخ قدیمی، افزایش اوقات فراغت را به دنبال داشت. انتقال مطبخ از گوشه‌ای در زیرزمین یا حیاط به درون سازمان فضایی خانه و در نزدیکی فضای نشیمن، تحول مهمی در مسیر ایجاد آسایش و راحتی شیوه زندگی محسوب می‌شود. قرار گرفتن آشپزخانه در کنار فضای نشیمن و تجهیز آن با سیستم آبرسانی، نور و نحوه مبلمان آن به حضور بیشتر ران در کنار خانواده و مشارکت در فعالیت‌های آن‌ها منجر شد، این امر حذف فضاها و حریم‌های جنسیتی چون حیاط خلوت اندرونی و راهروهای مرتبط با آن را به دنبال داشت.

همچنین وجود اسباب و تجهیزاتی که پخت‌وپز و شستشو را تسهیل می‌نمود، اعمال روزمره خانواده بخصوص ران را تحت تأثیر قرار داد و باعث شد که وقت فراغت بیشتری پیدا کنند و متعاقب آن بحث گذران اوقات فراغت به‌عنوان مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های سبک زندگی اهمیت پیدا کرد.

وجود حمام داخل خانه گرچه استفاده از آن را راحت نموده و بر رفتار بهداشتی افراد تأثیر می‌گذارد اما نافی نقش اجتماعی آن است، چراکه حمام عمومی محل حشرونشر اجتماعی غیررسمی بود (فکوهی، ۱۳۹۵، ۳۸۴). از این‌رو استفاده از حمام داخل خانه کاهش مرادات و تعاملات اجتماعی را به دنبال داشت. گرچه وجود فضاهای عمومی طراحی شده توسط شرکت نفت نظیر باشگاه‌ها، سینماها و فضاهایی از این دست جبران این کاستی را می‌کرد. همچنین سهولت استفاده از حمام داخل خانه به نسبت حمام عمومی، بر عادات بهداشتی ساکنین اثر گذاشته و افزایش سطح بهداشت را به دنبال داشت. علاوه بر آن در تغییر رسوم و اسباب ویژه حمام تأثیر گذاشت و بسیاری از آن‌ها دیگر به دست فراموشی سپرده شد. از این‌رو تغییر در رفتار و عادات روزمره زندگی را باعث گشت.

از عدم امکان بسط فضاها تا کاهش تعاملات اجتماعی

عدم امکان بسط فضاها در خانه‌های شرکتی نیز موجب کاهش تعاملات اجتماعی ساکنان شد. در خانه سنتی امکان داشتن خلوت همان‌قدر مقدور است که امکان دستیابی به فضایی بزرگ برای معاشرت با دیگران، تنوع مقیاسی در جزء فضاها و اتاق‌ها (پستو، سه‌دری، پنج‌دری و تالار)، همچنین امکان بسط و ترکیب این جزء فضاها با یکدیگر بر تنوع انواع فضاهایی که در میان طیف قلمرو

را به دنبال داشته و ضمن تغییر در رفتار روزمره بر میزان و نحوه معیشت و همچنین افزایش رفتار مصرفی خانواده خصوصاً ران تأثیر گذاشته است، به‌نوعی ران که تا پیش‌از این تولیدکننده بوده‌اند به مصرف‌کنندگان صرف تبدیل شده‌اند و از این‌رو نظام پدرسالارانه تشدید شده است. از طرفی وقت آزاد بیشتری که ران به‌واسطه این امر پیدا می‌کنند بحث نحوه گذران اوقات فراغت را نیز مطرح می‌نماید.

موضوع دیگری که درباره تغییرات حیاط خانه کارمندی نسبت به خانه سنتی قابل توجه است، حذف دیوار حیاط و جایگزینی آن با پرچین سبز است که دید راحت از کوچه و حیاط همسایگان به داخل حیاط را ممکن نموده و باعث کاهش استفاده از حیاط و حذف عملکردهایی نظیر خوابیدن در آن شده است. این امر که کاهش مرز فضای عمومی و خصوصی و کاهش محرمیت فضا را به دنبال دارد، باعث تحول در ارزش‌ها و باورهای مذهبی شده است و بدین گونه بر سبک زندگی ساکنان اثر گذاشته است.

وجود فضاهایی با عملکردهای خاص موجب تغییر الگوی عادات روزمره شد. فضاها در خانه سنتی تک عملکردی نیستند و امکان انجام فعالیت‌های متنوعی نظیر خوابیدن، غذا خوردن و معاشرت در فضاهای متنوعی وجود دارد، این امکان که فعالیت‌های ساده زندگی روزمره در فضاهای متنوعی رخ دهند باعث می‌شود که ابعاد معنایی و حسی آن فعالیت‌ها به سطحی بیش از یک رفتار بیولوژیک ارتقاء یابند، زیرا حضور در فضاهای گوناگون فعالیت‌ها را با تجربه‌های متنوعی همراه می‌کند.

در مقایسه با خانه سنتی، خانه کارمندی دارای فضاهایی تک عملکردی مانند اتاق خواب، نشیمن و نهارخوری است. از این‌رو امکان تحقق فعالیت‌های متنوع در یک فضا وجود ندارد، همچنین اشیاء و مبلمان موجود در این فضاها تا حدود زیادی چگونگی رفتار و فعالیت را در فضای موردنظر تعیین می‌کنند و در اکثر موارد اشیاء و مبلمان فضاها یک رفتار محدود مثلاً خوابیدن یا غذا خوردن را القاء می‌کنند. همچنین این امر موجب کاهش توالی فضایی-زمانی فعالیت‌ها و از بین رفتن سلسله‌مراتب استفاده از فضاها می‌شود که تغییر الگوی عادات روزمره را به دنبال دارد.

توالی فعالیت‌ها در محیط زندگی ساکنین معنادار است و دارای جنبه‌های عینی و آشکاری است که به وجوه ذهنی، نظام فرهنگی و روش زندگی آن‌ها وابسته است (افشاری، ۱۳۹۴). از این‌رو چنانچه فضاهای زندگی از نظر توالی فضایی و به تبع آن توالی فعالیت متفاوت از آنچه قبلاً در آن زیسته‌اند، در اختیار افراد قرار گیرد، روش و سبک زندگی افراد را تحت تأثیر قرار خواهد داد. به‌عنوان مثال از آنجایی که در خانه سنتی از یک فضا برای فعالیت‌های متنوعی چون غذا خوردن،

از این رو ساکنان امکان گسترش و یا کاهش فضاها را نداشته و اختیار دخل و تصرف در فرم کالبدی و ابعاد فضاها را نیز ندارند. این امر موجب کاهش انعطاف‌پذیری فضاها و عدم انطباق آن‌ها با تعداد افراد و ساختار خانواده می‌شود و همچنین عدم حس مالکیت نسبت به خانه‌ها به کاهش حس ثبات می‌انجامد. خانه‌های شرکتی آبادان، هم از نظر قوانین مالکیت خانه شخصی افراد نیست و هم از نظر احساسی، چراکه این خانه‌ها بازتاب سلیقه، نگرش و حتی ویژگی‌های قومی یا فرهنگی شخص و تابع سبک زندگی او نیست، بلکه از بیرون رفتارها و سبک زندگی جدیدی را به نوعی بر شخص تحمیل می‌کند و افراد اجازه دخل و تصرف در آن و تغییر آن با شرایط خاص زندگی خود و یا ایده‌ها و آرمان‌ها و سلیقه خود را ندارند. از این رو ساکنان امکان بروز تمایز خود با دیگران را نداشته و مجالی نیز برای نمایش سرمایه اقتصادی خود نمی‌یابند.

نتیجه‌گیری

مجموعه مفاهیم و مصادیق به دست آمده از بررسی خانه‌های سنتی و تطبیق آن‌ها با سازمان فضایی خانه‌های کارمندی به صورت جدولی ارائه شده است که نتایج آن می‌تواند تأثیر فضاها را ساخته شده بر سبک

خصوصی و عمومی قرار می‌گیرند می‌افزاید و امکان تجمعات بزرگ‌تر را فراهم می‌کند. علاوه بر آن فضاها بینابینی به صورت حریم‌های فضایی ایفای نقش می‌کنند که هم امکان استقلال فضا و هم ترکیب آن‌ها با یکدیگر را فراهم می‌کنند در خانه شرکتی اما از آنجایی که فضاها مجزایی برای هر عملکرد در نظر گرفته شده و امکان ترکیب فضاها و بسط فضایی محدود است، سازمان فضایی خانه در مقابل انواع معاشرت انعطاف‌پذیر نیست، چراکه فضاها به دو بخش خصوصی (اتاق خواب) و عمومی (هال نشیمن) تقسیم شده‌اند. این امر بر نوع و میزان معاشرت‌های ساکنان خانه اثر گذاشته و موجب کاهش تعاملات و روابط اجتماعی می‌گردد.

از طرفی در آبادان پس از صنعت نفت بسیاری از کارکردهای اجتماعی خانه و محله به فضاها طراحی شده برای این منظور سپرده شد به طور مثال وجود رستوران‌ها و کافه‌ها و باشگاه‌ها باعث شد که دور همی‌ها و شب‌نشینی‌هایی که پیش از این در خانه ترتیب داده می‌شد در این مکان‌ها برگزار شود و به طبع آن نحوه پذیرایی، غذاها و تنقلاتی که سرو می‌شد و حتی آداب سرو و خوردن آن‌ها تغییر کند. ساکنان خانه جدید آبادانی امکان ایجاد تغییرات در کالبد فضای مورد استفاده‌شان را ندارند، از طرفی امکان توسعه که یکی از ویژگی‌های بناهای بومی است نیز در خانه شرکتی منتفی است.

جدول ۳. تغییرات کالبدی و مؤلفه‌های تحت تأثیر سبک زندگی

تغییرات کالبدی	بازتاب تغییرات در سبک زندگی	تبیین مفهومی تغییرات	مؤلفه‌های تحت تأثیر سبک زندگی
حذف دیوار حیاط	دید راحت از کوچه و حیاط همسایه‌ها به داخل حیاط، کاهش استفاده از حیاط و حذف عملکردهایی نظیر خوابیدن	کاهش مرز فضاها عمومی و خصوصی، کاهش مرز محرمیت	تحول در ارزش‌ها و باورهای مذهبی
قرار گرفتن آشپزخانه نسبت مجهز داخل خانه	استفاده راحت‌تر از آشپزخانه، امکان گذراندن وقت با خانواده هنگام آشپزی، سرعت و سهولت کار و ایجاد وقت اضافه	تلفیق فضاها خدماتی و سکونت به وجود آمدن وقت فراغت و بیکاری	تغییر در رفتار و عادات روزمره به وجود آمدن بحث گذران اوقات فراغت
ایجاد یک فضای مرکزی به عنوان نشیمن در میان اتاق‌های خانه	حضور خانواده بدون سلسله‌مراتب در یک فضا و تغییر نظام مردسالارانه	کاهش استقلال اتاق‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها حول فضای نشیمن مرکزی	تحول در ساختار خانواده، تغییر الگوی مردسالارانه، اهمیت نمادین خانواده
اختصاص عملکردهای خاص به اتاق‌ها	تغییر مبلمان اتاق‌ها، تغییر در زمان استفاده از فضاها، کاهش ارتباط افراد خانواده به واسطه اتاق‌های اختصاصی	کاهش توالی فضایی زمانی فعالیت‌ها، از بین رفتن سلسله‌مراتب استفاده از فضاها	تغییر الگوی عادات روزانه، کاهش ارتباطات افراد خانواده

ادامه جدول ۳. تغییرات کالبدی و مؤلفه‌های تحت تأثیر سبک زندگی

تغییرات کالبدی	بازتاب تغییرات در سبک زندگی	تبیین مفهومی تغییرات	مؤلفه‌های تحت تأثیر سبک زندگی
حمام اختصاصی داخل خانه	عدم مراجعه به حمام عمومی، استحمام راحت‌تر و بیشتر	افزایش سطح بهداشت، تغییر رسوم و اسباب ویژه حمام، کاهش ملاقات اتفاقی دیگران در حمام محل	تغییر در رفتار و عادات روزمره، کاهش تعاملات اجتماعی
خانه‌های هم‌شکل در هر محله	عدم امکان بروز فردیت و تفاوت‌ها، عدم امکان شخصی‌سازی فضای فیزیکی	یکسانی، فقدان تنوع، مانع بروز تفاوت‌ها و ویژگی‌های شخصی	محدود نمودن حس تمایز اجتماعی
تغییر در شکل و ابعاد ورودی حذف جلوخان و راهرو ورودی	عدم وجود فضای واسطه بین داخل و خارج، خصوصی و عمومی	تغییر مرزهای فضای عمومی و خصوصی، کاهش مرز حریمیت	تأثیر بر روابط اجتماعی تأثیر بر باورهای مذهبی
عدم امکان تغییرات کالبدی در ساختار خانه	عدم امکان تغییر، تبدیل، گسترش و یا کاهش فضاها، نداشتن اختیار دخل و تصرف در فرم کالبدی و ابعاد فضاها	کاهش انعطاف‌پذیری فضاها و عدم انطباق فضاها با توجه به تعداد افراد، ساختار خانواده کاهش حس ثبات و مالکیت	محدود شدن حس تمایز و بروز سلیقه و ذائقه ساکنین کاهش امکان نمایش سرمایه اقتصادی
عدم مشارکت استفاده‌کنندگان فضا در طراحی و ساخت بنا	علیرغم وجود استانداردهای آسایشی بیشتر، عدم انطباق بر خواسته‌ها و تمایلات استفاده‌کنندگان	کاهش تبعیت فرم و کالبد بنا از تمایلات و ارزش‌های ساکنان، کاهش رابطه خانه با ساختار خانواده ارزش‌های آن‌ها	محدود نمودن امکان بروز تمایز، ذائقه و سلیقه ساکنین فاصله کالبد بنا با ارزش‌ها و معیارهای فردی اجتماعی
ابعاد و فرم متفاوت فضاها	محدودیت برای برپایی دار قالی یا تولید صنایع‌دستی دیگر، عدم امکان نگهداری دام و تولید محصولات دامی	عزیمت فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا از خانه، تغییر نقش زن از تولیدکننده به مصرف‌کننده صرف و داشتن کار کمتر و فراغت بیشتر	تأثیر بر معیشت و الگوی مصرف خانواده، اهمیت یافتن بحث گذران اوقات فراغت خصوصاً برای زنان

نحوه معیشت، شیوه ارتباطات اجتماعی، رفتار مذهبی و نحوه گذران اوقات فراغت را دگرگون کرد.

فضاهای جدید به واسطه ویژگی‌های فضایی و امکاناتی که در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دادند موجب پیدایش تغییراتی در نوع سرگرمی‌ها و نحوه گذران اوقات فراغت شدند. این تفاوت‌ها به نوع رفتار و سبک پوشش تسری پیدا کردند و حتی ذائقه‌ها و سلیقه‌های متفاوتی را به وجود آوردند. نحوه استفاده از فضاها و فعالیت‌های پیش‌بینی‌شده برای این فضاها دسته‌بندی‌های سنی، جنسی و موقعیتی را به دنبال داشته و منشأ تغییرات بیشتری در شیوه بهره‌مندی از فضا و به تبع آن شیوه زندگی شدند.

زندگی ساکنان را روشن نماید. (جدول ۳) این جدول دارای چهارستون است، عنوان ستون اول، تغییرات کالبدی است که به تفاوت‌ها و تغییرات خانه شرکتی نسبت به خانه‌های سنتی اختصاص یافته است، ستون دوم این جدول بازتاب تغییرات ذکرشده در ستون اول را در سبک زندگی ساکنان بیان می‌کند. ستون سوم به تبیین مفهومی تغییرات پرداخته است و در نهایت در ستون چهارم مؤلفه‌هایی از سبک زندگی که تحت تأثیر این تغییرات قرار گرفته‌اند ذکر شده است.

تغییرات کالبدی خانه و هم‌جواری‌ها در شهر آبادان، تغییر در سبک زندگی استفاده‌کنندگان این فضاها را به دنبال داشت. تفاوت‌های موجود میان خانه جدید آبادانی با خانه‌های سنتی منجر به وجود آمدن رفتارهای متفاوتی شد، این تفاوت‌ها همچنین رفتار مصرفی،

پی‌نوشت‌ها

۱۱. راپاپورت، آموس. (۱۳۹۲). *انسان شناسی مسکن*، (خسرو افضلیان، مترجم)، چاپ دوم، انتشارات: کتابکده کسری.
۱۲. رستم پور، کاوه؛ مسافر زاده، غزال؛ و نظیف، حسن. (۱۳۹۳). تحول هویت اجتماعی، پیامد معماری و شهرسازی نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان، *باغ نظر*، ۱۱ (۲۹)، ۱۱ - ۲۲.
۱۳. شصتی، شبما. (۱۳۹۳). *تبیین رابطه معماری مسکونی با مقوله فردیت در سبک زندگی ایرانی*، رساله دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۴. فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*، قم: صبح صادق.
۱۵. فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۷). *مدرنیته و مسکن، تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۱ (۱)، ۲۵ - ۶۴.

۱۶. فکوهی، ناصر. (۱۳۹۵). *انسان شناسی شهری*، تهران: نشر نی.
۱۷. قاسمی، ایرج. (۱۳۹۵). *تحولات اجتماعی شهرهای نفتی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۸. کرینسون، مارک. (۱۳۸۵). آبادان: شهرسازی و معماری تحت مدیریت شرکت نفت ایران و انگلیس، *گلستان هنر*، ۲ (۶)، ۹۵ - ۱۰۷.
۱۹. کسروی، احمد. (۱۳۸۴). *تاریخ پانصدساله خوزستان*، جلد ۱، چاپ اول. تهران: دنیای کتاب.
۲۰. لاواین دورتینگ، پولین. (۱۳۸۲). شهرک‌های شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان، (بشیر یاقمورلی، مترجم)، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، ۴ (۱۵)، ۱۹۹ - ۲۰۶.
۲۱. لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی آبادان*. چاپ دوم. تهران: کیان مهر.

۲۲. مسائلی، صدیقه. (۱۳۹۰). مسکن خرمشهر از الگوی بومی تا ضوابط طراحی، *هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، ۳ (۴۵)، ۶۱ - ۷۴.
۲۳. مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۶). مفهوم «سبک زندگی» و گستره آن در علوم اجتماعی، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۱۱ (۱)، ۱۹۹ - ۲۳۰.

24. Hendricks, F., & MacNair, M. (1970). Concepts of environmental quality standards based on life styles. *Ekistics*, 139-144.

25. Hojrurp, T. (2003). *State, culture and Life_Modes: The Foundation of Life_Mode Analysis*, Burlington: Ashgate publishing company.

26. Lee, H.J. (2005). Influence of Lifestyle on Housing Preferences of Multifamily Housing Resident, *Housing and*

1. Hyun-Jeong Lee
2. Mark Crinson
3. Pauline Lowang Dorting
4. Karl Emil Maximilian "Max" Weber (1864-1920)
5. Alfred Adler (1870-1937)
6. Kluckhohn, Clyde (1905-1960)
7. James B. McKee
8. Elery Hamilton-Smith (1929-2015)
9. Thomas Hojrurp

فهرست مراجع

۱. احسانی، کاوه. (۱۳۷۸). *تجدد و مهندسی اجتماعی در شرکت - شهرک‌های خوزستان*. مجله گفتگو، ۷ (۲۵)، ۹ - ۴۶
۲. افشاری، محسن؛ و پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۴). توالی معنادار فعالیت‌ها در مسکن - مطالعه موردی ایل قشقایی، *مطالعات معماری ایران*، ۲ (۷)، ۵ - ۱۸.
۳. الری همیلتون، اسمیت. (۱۳۹۳). سبک زندگی: الگوها و روندها، (ترجمه فاطمه نبی لو، الهام فراستی). *مطالعات سبک زندگی*، ۳ (۸)، ۱۴ - ۱۲۵.
۴. الفت، سعیده؛ و سالمی، آزاده. (۱۳۹۱). مفهوم سبک زندگی، *مطالعات سبک زندگی*، ۱ (۱)، ۹ - ۳۶.
۵. بوردیو، پی یر. (۱۳۹۳). *تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*، (حسن چاوشیان، مترجم)، چاپ سوم. تهران: نشر ثالث.
۶. بهشتی، محمد. (۱۳۹۳). معماری و سبک زندگی، *مصاحبه با مجله همشهری معماری*، ۱ (۲۶)، ۲۵ - ۳۲.
۷. پوردیهیمی، شهرام؛ و نورتقانی، عبدالمجید. (۱۳۹۲). هویت و مسکن، بررسی سازوکار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی، *مسکن و محیط روستا*، ۳۲ (۱۴۱)، ۳ - ۱۸.
۸. تقوایی، ویدا. (۱۳۹۴). *از میانی نظری تا میانی نظری در هنر و معماری*، تهران: دانشگاه فنی و حرفه‌ای.
۹. چاوشیان، حسن؛ و ابادری، یوسف. (۱۳۸۱). از «طبقه اجتماعی» تا «سبک زندگی»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۱۰ (۲۰)، ۳ - ۲۸.
۱۰. خادمیان، طلیمه. (۱۳۸۷). سبک زندگی و مصرف فرهنگی، تهران: موسسه فرهنگی هنری جهان کتاب.

Society, 34(1), 11-30.

27. Freedman, J. I. (1975). *Crowding and Behavior*, San Francisco, CA: Freeman

28. Karimi, P. (2013). *Domesticity and Consumer Culture in*

Iran: interior revolutions of the modern era. Routledge.

29. Yancey, W. L. (1971). Architecture, Interaction, and Social Control: The Case of a Large-Scale Public Housing Project,

Environ. Behav, 39(1), 3-21.

The Impact of Physical Differences between Traditional and Company Houses on the Lifestyle of People in Abadan (Case Study: Traditional and Company Houses in the Time Period of 1390-1357 AH)

Fatemeh Motaghedi, Ph. D. Candidate, Department of Architecture, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
*Vida Taghvaei**, Associate Professor, Department of Architecture, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
Mohammad Ebrahim Mazhary, Assistant Professor, Department of Architecture, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Abstract

The living space of a person, from the house to the neighborhood and the city, shows his/her beliefs and the way of life, research on the relationship between lifestyle and physical living space of the people, has opened the door to an interdisciplinary discussion that is related to anthropology and sociology, on the one hand, and to the physical and semantic characteristics of the home on the other. If we review lifestyle beyond everyday life and home beyond physical and meaningful features, we can consider that a person's lifestyle influences his/her shaping of his/her house, on the other hand, the physical shape and form of the house that he/she lives in it will be affected, which is a continuous effect. Now, if this person settled in a pre-arranged house (as what happened in Abadan after the oil industry), the sequence of the influence imposed on the lifestyle and the type of housing will be cut off and another kind of connection will be established between the person and his/her place of residence. This research seeks to answer the following questions, what physical differences did the residents of Abadan's corporate homes experience in the new housing, and which components affected their lifestyle?

To answer these questions, two hypotheses have been formed, which are discussed below, by reflecting on the concept of lifestyle, this study will try to explain the relationship between the characteristics of the lifestyle and the shape of the residence and examine the relationship between the two. In this way, it will investigate the impact of the lifestyle of the Abadan's people on the shape of exotic construction and urban development, which was established after the institution of the refinery and at the same time appeared with the formation of the new city of Abadan. For this purpose, this study compares the architecture of traditional houses and corporate houses.

As this is interdisciplinary research, the research method for data collection in this study is the method of documentary and library studies, and a qualitative strategy will be used to analyze the relationship between the house and the lifestyle of the residents and also to compare the samples. Moreover, this research is a fundamental-applied one, in which the methods of interpretation and correlation have been used as the strategy and method of research. As a result, the lifestyle of the people, living in Abadan has been affected by the shape of the different houses in which they have been accommodated, in a way that their lifestyle has changed significantly, as compared to their lifestyle before settling in this city and the physical space of the new housing has influenced the habits, the social relations and the livelihoods of the residents. Therefore, by the impact of their cultural, economic, and social capital, their consumption patterns, behavioral patterns, tastes, leisure time, and social roles have been changed.

Keywords: Lifestyle, Architecture, Traditional house, Company house, Abadan.

* Corresponding Author Email: v.taghvaei@yahoo.com